

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال یازدهم، شماره‌ی چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۸، صص ۱۳۵-۱۵۲
(مقاله علمی - پژوهشی)

حاشیه‌های مهم‌تر از متن ارزش‌های تاریخ‌نگارانه‌ی پرنوشت‌ها، یادگارنامه‌ها و انجامه‌ی نسخه‌های خطی در سنت زردشتی

حمیدرضا دالوند^۱

چکیده

در سنت زردشتی مهم‌ترین و پرابهام‌ترین مسئله، ابهام در تاریخ و بی‌توجهی به زمان و وقایع‌نگاری است. شاید ضبط زمان در مفهوم کران‌مندی آن، به اعتبار روشنی آغاز و انجام محتوم آن و نیز نابودی شر به‌عنوان حکمت و مشیت نهفته در پس‌کران‌مندشدگی زمان، سبب شده تا هیچ‌گاه در سنت زردشتی به ضبط و ثبت رخدادها و بررسی آنها در فرایندی تاریخ‌نگارانه توجه نشود. کیش زردشتی، از زمان پیامبر تا روزگار اخیر، هرگز متن مشخص تاریخ‌نگارانه‌ای پدید نیاورده است. آن اندازه که به آینده و انجام تاریخ در قالب متون آخرت‌گرایانه و پیشگویی پرداخته شده، به حال و در نهایت گذشته که نتیجه‌ی وقایع‌نگاری حال است، توجه نشده است. تاریخ در سنت زردشتی روایتی از پیش تعیین شده است که بنا بر ضرورت نبرد خیر و شر، به اراده‌ی اهورا و معاونت انسان، به تدریج و در گذر زمان به وقوع می‌پیوندد؛ از این‌رو، نه زمان گذشته و حال، بلکه زمان آینده و روزگار آمدن نجات‌بخش و پیروزی خیر است که اهمیت دارد. پس، نگاه به گذشته و یادکرد آن تنها به روایت‌های اسطوره‌ای و افسانه‌ای محدود می‌شود که تقویت‌کننده‌ی امید به وقوع آینده‌ی محتوم باشد. در کنار اسناد پراکنده، به‌ویژه روایت‌های تاریخی بیرون از سنت زردشتی، اغلب روایت همسایگان و دشمنان

۱. استادیار پژوهشکده‌ی زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،
(zurvandad@yahoo.de).

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۰۵، تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۸/۰۵.

کیش زردشتی، بعضی متن‌های درون سنت نیز ارزش تاریخی دارند. درست است که متن‌های دینی جملگی بی‌زمان و ناظر بر مسائل شرعی و عقیدتی‌اند، ولی پَرنوشت‌ها، یادگارنامه‌ها و انجامه‌ها و افزوده‌های ارزشمندی در لابه‌لای اوراق خود حفظ کرده‌اند که تا حدودی خلأ متون تاریخی به‌ویژه در وجه گاه‌نگارانه‌ی آن را پر می‌کنند. در گفتار پیش‌رو به بررسی، شناسایی، طبقه‌بندی و یادکرد ارزش‌های حواشی متون دینی سنت زردشتی، به‌عنوان ابزار و چارچوبی برای گاه‌نگاری تاریخ کیش یادشده، پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: زردشتیان، سنت زردشتی، نسخه‌های خطی، انجامه‌ها، یادگارنامه‌ها، پَرنوشت‌ها و حواشی

۱. سرآغاز

کیش زردشتی به سبب پیشینه‌ی بلند تاریخی و پراکندگی آن در سراسر گیتی، تاریخی دراز و پُر فراز و فرود دارد. اما به دلایلی چند دشوارترین و البته فقیرترین موضوع در ادبیات آن، تاریخ و تاریخ‌نگاری است. زمان با همه‌ی اهمیتی که در دیانت زردشتی دارد و آدمی را از آن رهایی نیست (بهار، ۱۳۶۹، ۳۶)، یا بنا بر رساله‌ی علمای اسلام، که «همه چیز به روزگار راست شود» (داراب، ۱۹۲۲، ۲: ۷۶)، هرگز مورد توجه نبوده و رویدادهای آن ثبت و ضبط نشده است؛ از این‌رو آنچه از تاریخ زردشتیان در دست است، برآمده از روایات بیرونی و اغلب نوشته‌ی دشمنان آنان است.

میراث فکری زردشتیان میراثی دینی و محدود به حوزه‌ی شریعت و متون دینی است. متون دینی اغلب فرازمانی‌اند: شر و خیر، نیک و بد، حلال و حرام و یا شایست و ناشایست، زمان و مکان نمی‌شناسد؛ بنابراین، متن‌های یادشده فاقد ارزش تاریخی به‌منزله‌ی متن تاریخ‌نگارانه‌اند. در کنار این، پریشانی‌های روزگار و ویرانی نهادهای دینی، مانند هیربدستان‌ها و آتشکده‌های بزرگ، حتی فقدان گور و گورستان و دیگر یادمان‌های تاریخی، بیش‌ازپیش عرصه را بر تاریخ‌نگاران کیش بهی تنگ می‌کنند و ما را با جامعه‌ای فاقد اسناد و مدارک تاریخی روبه‌رو می‌سازند. پس هر نشانه‌ای که تاریخ‌نگار را به دل

حاشیه‌های مهم‌تر از متن؛ ارزش‌های تاریخ‌نگارانه‌ی پرنوشت‌ها، یادگارنامه‌ها و ... | ۱۳۷

تاریکی این تاریخ بلند راهنمایی کند، مفید و ارزشمند است؛ حتی اگر یادکرد سالروز تولد موبدزاده‌ای در پشت جلد خرده‌وستای پدر باشد.

۲. کتاب و ابعاد آن به منزله‌ی سند تاریخی

از ارزش کتاب و کتابت همین بس که تاریخ با نوشتن آغاز می‌شود. کتاب در هر موضوع و زمینه‌ای از علم که باشد به مرور زمان ارزش تاریخی پیدا می‌کند و به منزله‌ی سند تاریخی قابل بررسی است. کاغذ، نوع نگارش، قلم، مُرگب، تذهیب، تجلید، وراقی و صحافی، زمان و مکان نگارش، بانی، کاتب، مؤلف، مُهر، مالک و... همه مواردی حاشیه‌ای‌اند که فراتر از اهداف غایی کتاب، برای درک گذشته و تاریخ هر زمینه‌ی فرهنگی خاصی که اثری در آن پدید آمده است، اهمیت و ارزش دارند؛ از این رو کتاب، موزه‌ای از تاریخ و تمدن را در خود جای داده است و تصویری ویژه از تحولات تاریخی به نمایش می‌گذارد. پس توجه به ارزش‌های یادشده، به‌ویژه در سنت درمحاق‌افتاده‌ی زردشتی، امری ضروری و لازم است و به کمک آنها می‌توان تا حدودی فقدان اسناد تاریخی و متون وقایع‌نگاری را جبران کرد. بنا بر رویکرد مورد اشاره، ابعاد کتاب، به‌ویژه دست‌نویس‌های کهن، را در دو بُعد می‌توان خلاصه کرد:

الف) موضوع و محتوای اثر یا هدف غایی که متن برای تحقق آن پدید آمده است و به یک یا چند حوزه از دانش محدود می‌شود. اثر به‌طور خاص از آن موضوع یا موضوع‌ها سخن می‌گوید و ارزش آن در زمینه‌ی یادشده قابل تعریف است؛ مثال: ارزش تاریخ بیبته‌ی که تاریخ سلسله‌ی غزنویان است و رویدادهای زمان سلطان محمود و مسعود را روایت می‌کند، به همین شرح رویدادهای موضوعی اثر است.

ب) ارزش‌های جنبی که چندان به موضوع و اهداف غایی اثر پیوند ندارد، بلکه بر اثر گذر زمان بر آن افزوده می‌شوند. وجوه هنری، حوادث تاریخی و زمینه‌ی فرهنگی پیدایش اثر، کاتبان و مالکان نام‌آور، انجامه‌ها و حواشی، جنس و شکل اثر و... ارکان اصلی ارزش‌های جنبی را تشکیل می‌دهند.

به‌عنوان نمونه درست است که *اللابیه عن الحقایق* الادویه اثری شاخص و بی‌مانند در

تاریخ داروهای گیاهی و گیاه‌شناسی ایران است، ولی دست‌نویس آن در کتابخانه‌ی وین، مورخ شوال ۴۴۷ق، به دو سبب ارزشی فراتر از موضوع بدان بخشیده است: ۱. قدیمی‌ترین نسخه‌ی خطی فارسی موجود است، ۲. کتابت علی بن‌احمد اسدی طوسی، شاعر معروف سده‌ی پنجم و صاحب‌گرساسب‌نامه و لغت فرس است (الهروی، ۱۳۷۱، ۱۳-۳). به سخن دیگر، این اثر غیر از پزشکی و گیاه‌شناسی، برای پژوهشگر تاریخ ادبیات و نیز میراث مکتوب فارسی اهمیت دارد و قابل بررسی است.

ممکن است همین دست‌نویس مورد اشاره، موارد بسیاری از موضوعات تاریخ اجتماعی و فرهنگی ایران در حدود هزار سال گذشته تا به امروز را برای ما روشن کند که در هیچ متن تاریخی محضی نیامده باشد؛ از جمله: بررسی مالکان و صاحبان کتاب یا آشنایی با دودمان‌ها و خانواده‌های فرهنگی و اهل کتاب و علم، کاغذ و سنت و صنعت کتاب‌سازی و کتاب‌آفرینی، اشعار و حواشی پراکنده‌ی لابه‌لای برگ‌ها، رسم‌الخط و سنت کتابت اثر، انجامه‌ها و یادگارها، مهرها و ده‌ها موضوع و مسئله‌ی دیگر.

۳. دست‌نویس‌های زردشتی

بی‌گمان تنها سند و یادمان تاریخی گویا در سنت زردشتی، کتاب و یا میراث مکتوب سنت مورد بحث است؛ میراثی که آغاز آن به پیدایش متون مقدس در پایان هزاره‌ی دوم پیش از میلاد می‌رسد و در طول زمان به زبان‌ها و گویش‌های ایرانی و انیرانی از اوستایی، پهلوی تا فارسی نو و سنسکریت و گجراتی حفظ شده است. به‌رغم گستردگی زمانی و پراکندگی جغرافیایی کیش زردشتی، دست‌نویس‌های موجود آن - در خوش‌بینانه‌ترین حالت - قدیمی‌تر از سده‌ی نهم هجری نیستند؛ هرچند نسب آنها بنا بر انجامه‌های موجود به سده‌ی چهارم و یا شاید سوم هجری هم برسد.

دست‌نویس‌های موجود که اغلب به‌ترتیب تعداد نسخه در کتابخانه‌های: مؤسسه‌ی کاما، شامل سه مجموعه‌ی ملافیروز (Dhabhar, 1923a, passim)، کتابخانه‌ی کاما (Dhabhar, 1923b, passim) و گنجینه‌ی مانکچی (غروی، ۱۹۸۶، سیزده - چهارده)، در شهر بمبئی و نیز در کتابخانه‌ی دستور مهرجی رانا در نوسازی از ایالات گجرات

حاشیه‌های مهم‌تر از متن؛ ارزش‌های تاریخ‌نگارانه‌ی پرنوشت‌ها، یادگارنامه‌ها و ... | ۱۳۹

(Dhabhar, 1923c, passim)؛ کتابخانه‌ی ملی پاریس (Blochet, 1900, passim)، کتابخانه‌ی ملی مونیخ (Bartholomae, 1915, passim)، کتابخانه‌ی بریتانیا در لندن شامل کتابخانه‌ی ایندیآفیس و نیز موزه‌ی لندن و... (Ross and Ethe, 1903, passim)؛ همچنین کتابخانه‌های ایران به‌ویژه کتابخانه‌های ملی و مجلس (دالوند، ۱۳۹۲، ۳۲-۴۹)؛ نگهداری می‌شوند،^۱ به سه زبان ایرانی اوستایی، فارسی میانه (پهلوی، خط پازند)، و فارسی نو، و نیز زبان‌های هندی، سنسکریت و گجراتی یا ترکیبی از همه‌ی آنها هستند.

دست‌نوشته‌های زردشتی را بر اساس محل نگارش به دو بخش بزرگ دست‌نویس‌های ایرانی و هندی می‌توان تقسیم کرد؛ یعنی دست‌نویس‌هایی که در ایران پدید آمده‌اند و دست‌نویس‌هایی که در هند نوشته شده‌اند. دست‌نویس‌های هندی اغلب رونویس‌های متأخر دست‌نویس‌های ایرانی‌اند (قس: Geldner, 1886, I: ii-liii).

دست‌نویس‌های اوستایی، متون بخش‌های مختلف اوستا هستند ولی انجامه و حواشی آنها به پهلوی، پازند، فارسی، گجراتی و در مواردی سنسکریت است. متون پهلوی نیز غیر از متن اصلی که اغلب متون معروف ادبیات دوره‌ی میانه‌ی فارسی‌اند (ماتسوخ، ۱۳۸۹، ۱۵۹)، در انجامه و حاشیه‌نویسی وضعیتی همانند متون اوستایی دارند (قس: Geldner, 1886, I: ii-liii). متون فارسی به‌ویژه میراث عصر روایات (سده‌ی ۹ق/۱۲یزدگردی)، حواشی و انجامه‌های فارسی، پهلوی، پازند و گجراتی دارند (دالوند، ۱۳۹۹، ۱۲۷-۱۹۹).

از آنجایی که میراث فکری سنت زردشتی در طی سالیان دست‌به‌دست می‌گشته است، بسیاری از متون حواشی و انجامه‌ها و یادگارنامه‌های متفاوتی دارند و گاه تا چند نسل را در زمان‌ها و مکان‌های مختلف نشان می‌دهند. هر کس که متنی را استنساخ کرده است، نام کاتبان قبلی را نوشته و قید کرده است که از روی متن چه کسی این متن را کتابت کرده است. همچنین کاتبان در هر دوره‌ای به آیندگان یادآوری کرده‌اند که از حذف نام و نشان

۱. برای اطلاع از کتابخانه‌ها و گنجینه‌ی دست‌نویس‌های زردشتی بنگرید به: دالوند، ۱۳۹۹ الف، ۱۲-۲۸.

آنها بیهیزند. همین امر، تنوع انجامه را در متون زردشتی سبب شده و آنها را ارزش ویژه‌ای بخشیده است. ارزش‌هایی که خلأ اسناد تاریخی، به‌ویژه تاریخ اجتماعی جامعه‌ی زردشتی ایران را می‌تواند پر کند؛ به‌عنوان نمونه باید از انجامه‌ی دست‌نویس صدر کتابت خسرو بهرام خسرو به درخواست خداداد رستم خداداد (در ۲۲ محرم ۱۱۰۰ ق در دارالسلطنه قزوین) برای استفاده‌ی پسرش بهرام خداداد نام برد که اینک در کتابخانه‌ی دانشگاه کمبریج نگهداری می‌شود (Unvala, 1940, 153) و از نادر اسنادی است که حضور زردشتیان در قزوین و روابط جامعه‌ی زردشتی و دربار صفویه را نشان می‌دهد.

۴. پیشینه‌ی بررسی دست‌نوشته‌های زردشتی

گذشته از فهرست‌نویسی نسخ خطی زردشتی در کتابخانه‌های بزرگ جهان (نک: دالوند، ۱۳۹۹ الف، ۱۲-۲۸)، جمشید مانکجی اونوالا (1940) نخستین پژوهشگری است که به‌طور جدی انجامه‌ی نسخه‌های زردشتی را بررسی کرد و اثر خود درباره‌ی انجامه‌ی متون زردشتی در کتابخانه‌های اروپایی را منتشر کرد. در ایران کتابیون مزداپور (۱۳۸۶؛ ۱۳۸۸) در دهه‌ی گذشته به موضوع توجه کرد و مقالاتی در معرفی نسخه‌های زردشتی ایران نوشت. دانشگاه آزاد برلین نیز با راه‌اندازی وب‌گاه The Avestan Digital Archive (ADA) (به نشانی <https://ada.geschkult.fu-berlin.de>) و انجام پروژه‌ی بزرگ گردآوری و دیجیتال‌کردن نسخ اوستایی و نیز انجام طرح‌های جانبی، گام‌هایی ارزشمند در این پهنه برداشته است ولی هنوز بررسی جدی و ژرفی درباره‌ی نسخه‌شناسی متون زردشتی، به‌ویژه بررسی حواشی و افزوده‌های آنها، صورت نگرفته است.

۵. انواع حاشیه‌نویسی در دست‌نویس‌های زردشتی

الف) یادگارنامه: به‌طور معمول در میانه‌ی متن جای دارد؛ به‌ویژه در متون مهم و ارزشمند چون متون اوستایی و کتاب‌هایی که در یزشن و آیین‌های دینی کاربرد دارند. پدیدآورنده‌ی آنها نخستین کاتب متن است. زبان آنها، به‌ویژه در متون اوستایی، اغلب پهلوی است. به تناسب هر متنی و به ضرورت زمان هر کاتبی، ممکن است که متن یادگارنامه کم و زیاد

شود و متفاوت با دیگری باشد، ولی ساختار مشترک آنها بدین شرح است:

۱. جمله‌ای کلیشه‌ای در ابتدای یادگارنامه که با واژه‌ی پهلوی frajaft «فرجام یافت، به انجام رسید» آغاز می‌شود و با عبارات دعایی «به درود و شادی و فرخی و...» ادامه می‌یابد.

۲. نام اثر.

۳. نام کاتب یا نویسنده که با عبارت و عنوان کلیشه‌ای «من دین بنده...» آغاز می‌شود.

۴. ذکر نسخه‌ای یا منبعی که متن از روی آن نوشته شده است.

۵. علت نگارش، بانی و سفارش‌دهنده‌ی متن.

۶. زمان نگارش که با عبارت «اندر روز...» آغاز می‌شود.

۷. دعا برای دین و سفارش خیرات برای کاتب و ...

این ساختار کم‌وبیش در متون مختلف به چشم می‌خورد (نک: جهان‌پور، ۱۳۸۹، ۳۵-۳۶ مقدمه، ۳۶۷-۳۶۹؛ بی‌نام، بی تا الف، ۱۶۶ پ-۱۶۷ ر).

ب) انجامه یا بن‌نوشت: یادداشت نهایی و پایانی متن است و کاتب اصلی و نیز کاتبان بعدی در نوشتن انجامه‌های پایانی نقش دارند. ممکن است یک متن، بیش از یک انجامه داشته باشد یا یک انجامه به چند زبان (همچون پهلوی و فارسی) و یا به چند خط (همچون پازند و گجراتی) باشد. ساختار انجامه‌ها هم همانندی‌هایی با یادگارنامه‌ها دارد، اما اغلب مختصرترند و زمان کتابت و نام کاتب، حداقل مواردی‌اند که در انجامه‌ها می‌آیند (نک: بی‌نام، بی تا الف، ۲۹۹ ر-۳۰۰ پ؛ مزدایور، ۱۳۸۸، ۲۴۸). دست‌نویس *وندیداد ساده* به شماره‌ی ۶۵۴۹ کتابخانه‌ی ملی ملک، دست‌نویسی اوستایی است که انجامه‌ای به سه زبان پازند و گجراتی و فارسی دارد (مزدایور و دالوند، ۱۳۹۰، ۴۰). دست‌نویس‌های هندی اغلب این گونه‌اند و انجامه‌ی دست‌نویس‌های ایرانی بیشتر پهلوی و فارسی است. انجامه‌ی دینکرد (Madan, 1911, ix, 946-959)، نمونه‌ای از تنوع انجامه‌ها در ادوار مختلف برای یک اثر است؛ همچنین در متون عصر روایت که در ایران تهیه شده‌اند (برای آگاهی از میراث مکتوب عصر روایات نک: دالوند، ۱۳۹۹ الف، ۱۰۵-۱۲۹). نام کاتب، زمان و امضاکنندگان روایات، ارکان اصلی انجامه‌ها را تشکیل می‌دهند که اغلب نیز به فارسی‌اند

(داراب، ۱۹۲۲، ۲: ۴۷۴، ۴۸۰). انجامه‌ی دست‌نویس معروف د-۹۰، یسنای قدیمی کتابخانه‌ی ملافیروز که به گونه‌ای غیرمعمول در آغاز کتاب آمده است (نک: نوایی و جاماسب‌آسا، ۲۵۳۵، ۱: ۲-۱)، نمونه‌ای دیگر از تنوع انجامه در آثار زردشتی است. (ج) پرنوشت‌ها و حواشی: پرنوشت یا حاشیه، مطالبی گوناگون است که مالکان و کاربران نسخ بنا بر موقعیت‌های مختلف اغلب برای یادگاری، حفظ تاریخ وقایع مهم زندگی (مثل تولد و مرگ افراد)، شرح دشواری‌های متن، اثبات مالکیت و... بر متن اثر می‌افزایند. *وندیداد آستان قدس* (جهان‌پور، ۱۳۸۹، ۱۶۱، ۲۱۶، ۲۲۰، ۲۲۶، ۲۶۶، ۲۷۰، ۲۸۴، ۳۶۷، ۴۴۸، ۵۸۲، ۵۸۴، ۶۵۸). یکی از نمونه‌های یادکردنی از تنوع پرنوشت‌هاست. اگرچه دو گونه‌ی نخست، یعنی یادگارنامه‌ها و انجامه‌ها، در فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی مورد توجه‌اند، پرنوشت‌ها به‌ندرت فهرست‌نویسی و نمایه می‌شوند.

۶. ارزش‌های محتوایی حاشیه‌ها و یادگارنامه‌های متون زردشتی

(الف) ارزش گاه‌نگاری و تقویمی:

بنیان تاریکی تاریخ و ابهام در تحولات تاریخی جامعه‌ی زردشتی، پریشانی در تقویم و گاه‌شماری آنهاست. در متون فرازمانی و مقدس شریعت، گاه‌شماری جایی ندارد و نیاز به قید زمان نیست. ایرانیان از ملت‌های صاحب تقویم‌اند و تقویم زردشتی درآمیخته با ارزش‌های دینی است، اما پریشانی‌های آن به‌ویژه در دو مبحث مبدأ و نیز نظام کبیسه که سبب تنوع در نظام گاه‌شماری و پیدایش دو سال ثابت و سیار شده است (نک: تقی‌زاده، ۱۳۸۵، ۱-۳۸)، کار گاه‌نگاری تاریخ این کیش را دشوارتر می‌سازد؛ از این‌رو تنها سند موثق و مورد اطمینانی که درون جامعه‌ی زردشتی بر جای مانده است و تا اندازه‌ای به گاه‌نگاری تاریخ جامعه یادشده کمک می‌کند، زمان ثبت‌شده در یادگارنامه، انجامه و پرنوشت نسخه‌های خطی است. به سخن دیگر، اگر تاریخ‌های مذکور ثبت و ضبط نشده بودند، سنت زردشتی در بی‌کران تاریخ شناور بود.

تاریخ‌های درج‌شده، به‌ویژه در نسخه‌های کهن اوستایی و پهلوی، اغلب به پهلوی‌اند و در قالب «اندر روز ... ماه ... بر سال ... پس از ۲۰ بغ یزدگرد» می‌آیند (جهان‌پور، ۱۳۸۹،

حاشیه‌های مهم‌تر از متن؛ ارزش‌های تاریخ‌نگارانه‌ی پرنوشت‌ها، یادگارنامه‌ها و ... | ۱۴۳

۳۵-۳۷ مقدمه، ۳۶۸). این جمله یعنی سال یزدگردی‌ای منظور است که مبدأ آن مرگ یزدگرد سوم در سال ۳۱ق است و با ۲۰ سال تفاوت برابر با سال ۲۱ جلوس همین پادشاه است، ولی واقعیت این است که در تاریخ‌های بررسی شده در سده‌ی نهم هجری به بعد، چنین چیزی در عمل وجود ندارد و چنان‌که مزداپور (۱۳۸۶، ۵۲۷-۵۲۸) اشاره کرده است، آوردن این عبارات فقط برای حفظ سنتی قدیمی است. در گاه‌نگاری‌های بعدی، قید «پس از ۲۰ یزدگردی» حذف و عبارت «سال یزدگرد شهریار» جای آن را می‌گیرد که به تاریخ جلوس وی در سال یازدهم هجری اشاره می‌کند. به هر روی، تاریخ‌نگاری‌های پیش از سده‌ی نهم در سنت زردشتی بسیار کم‌اند ولی آنچه از این زمان به بعد ثبت شده است، قریب به یقین با مبدأ جلوسی است، مگر عکس آن ثابت شود. در انجامه‌های فارسی، این عبارت کوتاه‌تر و به صورت رایج در جامعه‌ی اسلامی نزدیک‌تر می‌شود و برای توصیف سال از عبارت «یزدجردی و یزدجردیه» استفاده می‌شود. همچنین تاریخ هجری نیز به کار می‌رود و هرچه زمان می‌گذرد، تاریخ هجری و یزدگردی به هم آمیخته می‌شوند. نمونه یادکردنی، انجامه‌ی ثبت شده در پایان دست‌نویس مجموعه‌ی زرتشتی به شماره‌ی ۱۳۵۲۲ کتابخانه‌ی مجلس است که در آن آمده است: «روز اورمزد اج تیرماه قدیم سنه‌ی ۱۰۱۴ هجریه بهمن ماه جلالی» (بی‌نام، بی‌تا، ج ۹، الف). مفهوم این عبارت این است: روز یکم تیرماه قدیم یعنی تیرماه تقویم زردشتی نه تیرماه تقویم جلالی یا ملکشاهی، سال ۹۷۵ جلوس یزدگرد / ۹۵۵ پس از مرگ یزدگرد، برابر ۱۵ رمضان سال ۱۰۱۴ق، مصادف با ۲۴ ژانویه ۱۶۰۶م که همزمان با بهمن‌ماه جلالی از تاریخ ملک‌شاهی است.

در متون هندی، به‌ویژه متون متأخر، دو تاریخ هندی «سموت» (برای متون قدیمی‌تر) و تاریخ میلادی (برای متون سده‌ی هجدهم به بعد)، نیز به تاریخ یزدگردی و هجری افزوده شده است و متون هندی متأخر گاه همه‌ی این تاریخ‌ها را دارند (Unvala, 1940, 36-39).

ب) ارزش‌های تبارشناختی:

جامعه‌ی زردشتی جامعه‌ای بسته است که به دو بخش بهدینان یا عامه‌ی مردم، و دین‌مردان یا روحانیان قابل تقسیم است (دالوند، ۱۳۹۹، الف، ۱۸۴). گروه کوچک دین‌مردان به‌عنوان رهبران فکری جامعه از گذشته‌ای بسیار دور، چنان‌که نسب خویش را به منوچهر

می‌رسانند (بهار، ۱۳۶۹، ۱۵۳-۱۵۴)، به صورت موروثی و دودمانی، کتبی و شفاهی، حقیقت دین و متون مقدس را در میان خود حفظ کرده و به غیر خودی اجازه‌ی ورود به این حوزه را نداده‌اند؛ بنابراین میراث فکری سنت زردشتی یعنی میراث فکری یک یا چند دودمان خاص. پس با شناخت دقیق این دودمان‌ها در بستر روزگاران، به آسانی می‌توان میراث موجود را طبقه‌بندی و مطالعه کرد. جالب این است تنها جایی که گزارش‌های جسته‌وگریخته‌ای از تبارشناسی موبدان و اهل قلم جامعه‌ی زردشتی، چه در ایران و چه در هند، می‌یابیم همین متون پراکنده و پیرایه‌ای نسخه‌های خطی چون یادگارنامه‌ها و انجامه‌ها و پرنوشت‌هاست. در دست‌نویس *وندیداد/دانشگاه تهران* گویدشاه نیای خود را تا دینیار کرمانی، نیای مشترک او و پسرعموهایش: انوشیروان و بهرام و فریدون (پسران مرزبان) که از کاتبان و دستوران سده‌ی ۱۰ق کرمان بودند؛ معرفی می‌کند (مزداپور، ۱۳۸۸، ۲۴۶). اونوالا (193-187, 1940) بر اساس همین انجامه‌ها برای نخستین بار به بازسازی تبارشناسی موبدان و خانواده‌های موبدی در ایران و هند پرداخت. نگارنده نیز بر مبنای همین متون، شجره‌نامه‌هایی برای دستوران ایران در خراسان، سیستان، کرمان، یزد، شرف‌آباد و ترک‌آباد تهیه کرده است (دالوند، ۱۳۹۹الف، ۲۷۱-۲۹۷).

افزون بر تبارشناسی افراد و دودمان‌های موبدی، تبارشناسی نسخه‌ها نیز از دستاوردهای چشمگیر در کار بررسی حاشیه‌های نسخه‌های خطی است؛ به‌عنوان نمونه، یکی دست‌نویس معروف د-۹۰، یسنای کتابخانه‌ی ملافیروز است که تبار آن به دست‌نویس متعلق به فرنیغ سروش، از دستوران فارس در سده‌ی چهارم هجری، می‌رسد (نک: نوابی و جاماسب‌آسا، ۲۵۳۵، ۱: ۲-۶) و دیگری، سرگذشت دست‌نویس مینوی خرد و نیز دست‌نویس دینکرد است که اونوالا بدان‌ها پرداخته است (1940, 153).

ج) یادگاری:

برخی از ارزش‌های حاشیه‌ای نسخ به اظهار وجود و جاودانگی نام کاتبان، مالکان و کاربران متون محدود می‌شود و محتوای پرنوشت‌ها را همین موارد تشکیل می‌دهند. پرنوشت‌های یادگاری را به شرح زیر می‌توان تقسیم کرد:

۱. در بی‌وفایی دنیا و نصیحت به نیکنامی، اغلب منظوم و اشعار تکراری: در یکی از

حاشیه‌های مهم‌تر از متن؛ ارزش‌های تاریخ‌نگارانه‌ی پرنوشت‌ها، یادگارنامه‌ها و ... | ۱۴۵

پرنوشت‌های نسخه‌ی k43a، از مهربان انوشیروان رستم در ۹۳۶ی می‌خوانیم:

که بر کس نماند جهان پایدار / همان به که نیکی بود یادگار
جهان یادگار است ما رودنی [= رفتنی] / به مردم نماند به‌جز مردمی
مکن شهریارا گنه تا توان / گناهی کزو شرم دارد زمان
میازاری و سودمندی گزین / که این است فرهنگ آیین و دین
دیگر آنکه بیدار داری روان / نگردي به گرد بدکار تا توان
جهان یادگار است بسی شهریار / ز جمّ و فریدون و اسفندیار
ستمگر همچین بادی بود در گذار / ستمکش همچین زمین بود پایدار (نوابی و جاماسب‌آسا، ۱۳۵۸، ۵).

۲. بخشش خطا و سهو کاتب: خطم گرچه بر سهو یا خطاست / عجب نیست بی‌عیب
یکتا خداست (نوابی و جاماسب‌آسا، ۱۳۵۵، ۱۲۵). و یا افلاطون بن اسکندر بر پایان
صفحه‌ی ۳۰۹ پ‌خورده/وستای شماره‌ی ۱۹۲۱۷-۵ کتابخانه‌ی ملی می‌نویسد: «استدعای
فدوی خاکسار از عیب‌پوشان و هنروران نیکوکار این است که عیوب این را پوشیده و به
اصلاحش کوشیده، هدف طعن و طنز نمایند».

۳. ثبت یاد و نام خود (کاتب، مالک، خواننده و...): این نگاه و تمایل به جاودان‌کردن
نام افراد بر روی جلد کتاب‌ها و حاشیه‌ی برگ‌های آن، تا امروزه و روزگار ما نیز کم‌وبیش
حفظ شده است و هرچند نادرست و زنده است، هنوز حک و نگارش نام افراد بر تنه‌ی
درختان و یا روی آثار باستانی و تاریخی، ورودی تونل‌ها و حتی بر قله کوه‌های بلند چون
دماوند و سبلان و علم کوه و... را شاهدیم:

«من نوشتم تا برآید روزگار / من نمانم این بماند یادگار؛ من نوشتم صرف‌کردم
روزگار / من نمانم این بماند پایدار؛ نوشتم من تا هر کس بخواند / منم بی‌شک بمیرم این
بماند» (نوابی و جاماسب‌آسا، ۲۵۳۵، ۲۵۳) و یا پرنوشت داراب مهربان بر صفحه‌ی ۷ الف
دست‌نویس شماره‌ی ۱۲۵۲۲ مجلس شورای اسلامی: «روزی که تنم به خاک نمناک رود
/ آوازه‌ی مرگ من به افلاک رود؛ خط در ورق دهر بماند صد سال / بیچاره نویسنده که بر
خاک رود» (بی‌نام، بی‌تا ج، ۷ الف).

و باز از حاشیه‌های صفحه‌ی ۳۲ب مجموعه‌ی ش ۱۲۶۰۴ کتابخانه‌ی مجلس است: «نوشتیم و رفتیم گردیم باز / از این ملک ویران بی‌اعتبار؛ قلم گرفتم گفتم در سعد سلام بنویسم / حکایت شب هجران تمام بنویسم». و یا همان‌جا: «العبد، بنده‌ی کمترین، گل قدم جمع دوستان، بهمن ولد کیخسرو مهربان ولد شهریار خدایامرز، ۱۴ شهر شوال المبارک سنه‌ی ۱۱۲۴؛ العبد، بنده‌ی کمترین، خاک قدم جمع دوستان شهریار ولد مرحوم کیخسرو ۱۱۹۷» (بی‌نام، بی‌تا د، ۳۲ب).

۴. ثبت وقایع مهم زندگی: برخی از پرنوشت‌ها، همچنان‌که در فرهنگ ایرانی اسلامی هم متداول است، در بردارنده‌ی حوادث مهم خانوادگی چون تولد و مرگ افراد است: در پرنوشتی از *وندیداد/آستان قدس (جهان‌پور، ۱۳۸۹، ۲۷۰)* به تولد فرنگیس بنت موبد خدایبخش بن مرحوم کیخسرو موبد خداداد بهمرد، اندر یوم آسمان از خردادماه قدیم سنه‌ی ۱۲۴۱ی و نیز به زمان فوت دستور کیخسرو موبد خداداد بهمرد، در روز گوش بهمن‌ماه قدیم در ۱۲۳۸ی در بندر بمبئی اشاره شده است. همچنین یادداشت‌هایی درباره‌ی درگذشت مروارید موبد سروش در ۱۳۰۶ی در تهران و درگذشت شیرین موبد بهزاد در ۱۳۱۴ی، از حاشیه‌های کتاب *یشت ویسپرد* تألیف نامدار شهریار است (نامدار بن شهریار، ۱۲۶۲ی، ۲۶۵). تاریخ فوت فتحعلی شاه قاجار نیز در شب پنج‌شنبه ۱۹ جمادی‌الثانی سنه‌ی ۱۲۵۰ق، بر حاشیه‌ی برگ اول کتاب *دله قویه اثر ملافیروز*، چاپ سنگی ۱۸۲۸م، جالب توجه است.

(د) ارزش‌های تفسیری:

برخی حاشیه‌ها توسط کاربران متون در تصحیح، شرح و توضیح مطالب و مفاهیم متن پدید می‌آیند. این گونه از حواشی در سنت زردشتی نیز دیده می‌شود و به‌طور عمده برای شرح واژگان اوستایی و پهلوی پدید آمده است: «ایرخت، به معنی ناویژه و ناخالص باشد؛ اعنی که به گناه آلوده و غش و چرکین شده»؛ «بوخت یعنی اویره و خالص؛ اعنی که از اشویی و فرمانبردار حضرت باری جلّ شأنه روان خود را اویره و بیغش و شفاف و روشن و نورانی کرده است.» از این نمونه‌ها (نوابی و جاماسب‌آسا، ۲۵۳۵، ۲: ۶۸۱، ۴۶۲، ۵۵۶-۵۸۹، ۲۷، ۳، ۱۷، ۴۵) بسیار وجود دارد که شاخصی ارزشمند برای قرائت‌ها و

حاشیه‌های مهم‌تر از متن؛ ارزش‌های تاریخ‌نگارانه‌ی پرنوشت‌ها، یادگارنامه‌ها و ... | ۱۴۷

دریافت‌های مختلف متون کهن دینی در زمان‌های گوناگون به شمار می‌آیند.

ها) ارزش نامگانی و کتاب‌آفرینی:

از سنت‌های ستودنی در میان زردشتیان، وقف کتاب و سرمایه‌گذاری برای کتاب‌آفرینی و کتابت نسخه‌های دینی به نامگه درگذشتگان است. این وقایع در انجامه‌ها، یادگارنامه‌ها و حواشی آثار دیده می‌شوند: دست‌نویس *وندیداد دانشگاه تهران* به نامگه جوان ناکام، جمشید مرزبان، کتابت شده است (بی‌نام، بی‌تا الف، ۱۰ ب). بانی *وندیداد آستان قدس* (جهان‌پور، ۱۳۸۹، ۱۵ مقدمه، ۳۶۹-۳۷۰) بهرام کیان سرخاب رستم زمان است. همچنین بهزاد رستمی پس از تکمیل *صد در بحر طویل* به نامگه و وقف جاماسب و بهمن پسران اورمزدیار که به جوانی و ناکام از دنیا رفته‌اند، در سال ۱۰۰۵ ی آن را برای پارسیان هند می‌فرستد (بی‌تا، برگ ۹۴).

و) ارزش وقایع‌نگارانه:

از دیگر کارکردهای حواشی و انجامه‌های نسخ خطی زردشتی، اشاره به رویدادهای روزگار کتابت اثر است: داستان رنجی که بر خانواده‌ی بهرام کیان و زن ترزاده‌ی او رفته است و کوچ اجباری ایشان در پایان سده‌ی دهم یزدگردی از کرمان به اصفهان (جهان‌پور، ۱۳۸۹، ۱۷ مقدمه، ۳۷۰)، پرده از مقدمه‌ی راز تاریخی بزرگ‌تری برمی‌دارد که همانا باور شدید زردشتیان به رویدادهای پایان هزاره و ترس دربار صفوی از آگاهی‌ها و دانش جامعه‌ی زردشتی به‌ویژه وجود اثر مشهوری چون *جاماسب‌نامه* در میان آنها بود. پژواک ادامه‌ی این کشمکش در «روایات زردشتی» چون روایت‌های سال‌های ۱۰۰۵ ی و ۱۰۱۵ ی و ۱۰۱۹ ی و ۱۰۲۲ ی شنیده می‌شود؛ چنان‌که در روایت سال ۱۰۱۵ ی در باب آمدن ورجاوند آمده است: «هر گروهی او را به نامی می‌خوانند. هر کس چشم انتظار به راه داریم، هروسف آگاه خود می‌داند که کی ظهور خواهد کرد» (بی‌نام، بی‌تا ه، ۳۶). و یا زردشتیان کرمان در ۱۰۱۹ ی می‌نویسند: «و در سال ۹۹۷ یزدگردی در زمان شاه جنت‌مقام شاه عباس آن‌قدر آزار و جفا و زیان به دستوران ایران رسید که شرح آن به قلم و به زبان بیان نمی‌توان کرد و کار از جایی رسید که دو نفر از مایان کشته و ضایع شدند و از جهت طلب کتاب‌های دین چند و نسخه چند که از *جاماسب‌نامه* بود، گرفتند و باز طلب

جوی زیادتی می‌کردند و نبود» (شهمردان، ۱۳۶۳، ۲۸۸-۲۸۹).

از دیگر وقایع تاریخی به‌ویژه سرنوشت مهاجران زردشتی در هند، داستان زندگی مروارید دختر ظهراب از اهالی کرمان است که پس از جدایی پدر و مادر و فروپاشی خانواده‌ی پدری و ازدواج بدفرجام این دختر، چه رنجی تا دم مرگ در دیار غربت نصیب او می‌شود. سرنوشت مشقت‌بار وی چنان ایرانیان بمبئی را تحت تأثیر قرار می‌دهد که خاطره‌ی او را در پایان کتاب چاپ سنگی *بهمن‌نامه* (ایران‌شاه ابن ابی‌الخیر، ۱۳۲۵ق، ۵۴۵-۵۵۲) به نظم می‌کشند و جاودان می‌سازند.

(ز) شناخت پهنه‌های جغرافیایی و کانون‌های زردشتی‌نشین:

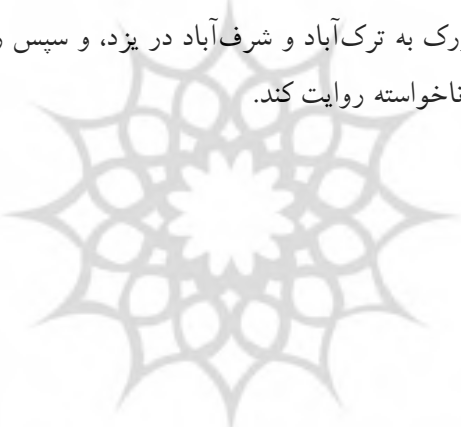
حواشی نسخه‌های خطی زردشتی منبعی برای درک تحولات و جابه‌جایی میراث مکتوب آنها در میان کانون‌های مختلف است. هرچند آخرین کتابت دینکرد (بنا بر انجامه‌های پایانی آن) در سال ۸۶۵ی در کرمان بوده، ولی نسب این متن به کتابت در سال ۳۶۹ی در انوش‌گرد آسورستان در پیرامون بغداد می‌رسد (Madan, 1911, ix, 940-949) و خط سیر دست‌به‌دست شدن آن از بغداد تا کرمان و سپس هند را نشان می‌دهد. دست‌نویس *یسنا*ی د-۹۰ در کتابخانه‌ی ملافیروز، سفر خود را از شیراز به کازرون و از آنجا به ورزنه در رویدشت اصفهان آغاز می‌کند، به پیرامون یزد می‌آید و سپس از ایران به هند می‌رود (نک: نوابی و جاماسب‌آسا، ۲۵۳۵، ۱: ۴-۵). از برکت انجامه‌ی دست‌نویس k5 مجموعه‌ی کپنهاگ نیز با کانون‌های زردشتی‌نشین دزوک و اوچک در سیستان و سند آشنا می‌شویم (Unvala, 1940, 122).

۷. نتیجه‌گیری

بنا بر آنچه گذشت، اهمیت و ارزش برخی یادداشت‌ها و افزوده‌های نسخه‌های خطی، گاه می‌تواند بیشتر از محتوای متن باشد؛ از این‌رو، درست است که انجامه‌ها، یادگارها، مهرها، نام کاتب و... در فهرست‌نویسی‌ها اهمیت دارند و مورد توجه بوده و هستند، ولی توجه به حاشیه‌ها و نمایه‌ی نام افرادی که افزوده‌های بعدی را پدید آورده‌اند نیز ضرورت دارد و دست‌کم لازم است در فهرست‌نویسی و معرفی دست‌نوشته‌های زردشتی در نظر گرفته

حاشیه‌های مهم‌تر از متن؛ ارزش‌های تاریخ‌نگارانه‌ی پرنوشت‌ها، یادگارنامه‌ها و ... | ۱۴۹

شوند که تاریخ‌نگاران آنها را به‌منزله‌ی اسناد تاریخی با نگاهی دقیق‌تر بررسی کنند. این امر در سنت و تاریخ جامعه‌ی زردشتی به نسبت دیگر جوامع و ادیان مهم‌تر است؛ چراکه کیش زردشتی و تاریخ آن به دلایل گوناگون عقیدتی و تاریخی، همواره در محاق افتاده است و به‌ندرت متنی تاریخی با ارزش‌های گاه‌نگارانه در آن یافت می‌شود. تنها یادمان ملموس و قابل‌اتکایی که گذشته‌ی جامعه‌ی زردشتی را نشان می‌دهد، نسخ خطی متون موجود است. پس باید فراتر از آنچه معمول و مرسوم است، آنها را نگریست. گاه ممکن است انجامه‌ای چون انجامه‌ی یسنای د-۹۰ (D-90) کتابخانه‌ی ملافیروز، موثق‌ترین سندی باشد که مسیر انتقال میراث فکری فارس به یزد، از راه کازرون به اصفهان به رویدشت به ورزنه به سورک به ترک‌آباد و شرف‌آباد در یزد، و سپس رفتن آن به هند در عصر روایات را برای ما ناخواسته روایت کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مآخذ

- ایران شاه ابن ابی‌الخیر، بهمن‌نامه، (۱۳۲۵ق)، به کوشش رستم پوربهرام سروش تفتی و رستم شاوریر خسرو تفتی، بمبئی: چاپ سنگی.
- افلاطون بن اسکندر (کاتب)، (بی‌تا)، خورده/وستا، کتابخانه ملی، دست‌نویس ش ۱۹۲۱۷-۵.
- بهار، مهرداد (مترجم)، (۱۳۶۹)، بندهش، تهران: توس.
- بی‌نام، (بی‌تا الف)، وندیداد دانشگاه تهران، نسخه‌ی خطی، کتابخانه‌ی دانشگاه تهران، ش ۱۱۲۶۳.
- بی‌نام، (بی‌تا ب)، وندیداد ساده، نسخه‌ی خطی، کتابخانه‌ی ملی ملک، ش ۶۵۴۹.
- بی‌نام، (بی‌تا ج)، مجموعه‌ی زرتشتی، کتابخانه‌ی مجلس، نسخه‌ی خطی، ش ۱۳۵۲۲.
- بی‌نام، (بی‌تا د)، مجموعه‌ی زرتشتی، کتابخانه‌ی مجلس، نسخه‌ی خطی، ش ۱۲۶۰۴.
- بی‌نام، (بی‌تا هـ)، روایت دستور برزو، کتابخانه‌ی مهرجی رانا، دست‌نویس ش T-32-IV.
- تقی‌زاده، حسن، (۱۳۸۵)، گاه‌شماری در ایران قدیم، تهران: توس.
- جهان‌پور، فاطمه، (به کوشش)، (۱۳۸۹)، وندیداد آستان قدس، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- داراب، (۱۹۲۲م)، روایات داراب هرمزدیار، چاپ سنگی، بمبئی: چاپ اونوالا.
- دالوند، حمیدرضا، (۱۳۹۲)، «دست‌نوشته‌های نویافته به فارسی زرتشتی در کتابخانه‌ی ملی ایران»، پازند، س ۹، ش ۳۲-۳۳، صص ۳۲-۴۹.
- _____، (۱۳۹۹ الف)، تاریخ و سنت زردشتی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- _____، (۱۳۹۹ ب)، متون فارسی زردشتی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رستمی، بهزاد، (بی‌تا)، صد در بحر طویل، کتابخانه‌ی ملی ایران، دست‌نویس ش ۱۶۸۲۰-۵.
- شهرمدان، رشید، (۱۳۶۳)، فرزندگان زرتشتی، تهران: فروهر.
- غروی، مهدی، (۱۹۸۶م)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی بمبئی، کتابخانه‌ی مؤسسه‌ی کاما، گنجینه‌ی مانکجی، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات ارسی ایران و پاکستان.
- نوایی، ماهیار؛ جاماسب‌آسا، کیخسرو، (به کوشش)، (۱۳۵۵)، خورده/وستا، گنجینه‌ی دست‌نویس‌های پهلوی ۶، شیراز: مؤسسه‌ی آسیایی دانشگاه پهلوی.

حاشیه‌های مهم‌تر از متن؛ ارزش‌های تاریخ‌نگارانه‌ی پرنوشت‌ها، یادگارنامه‌ها و ... | ۱۵۱

- _____ (به کوشش)، (۱۳۵۸)، دست‌نویس ک ۴۳ الف، گنجینه‌ی دست‌نویس‌های پهلوی ۵۷، شیراز: مؤسسه‌ی آسیایی دانشگاه پهلوی.
- _____ (به کوشش)، (۲۵۳۵)، دست‌نویس د-۹۰ (یسنا و ترجمه‌ی پهلوی آن)، ج ۲، گنجینه‌ی دست‌نویس‌های پهلوی ۱۹، شیراز: مؤسسه‌ی آسیایی دانشگاه پهلوی.
- _____ (به کوشش)، (۲۵۳۵)، دست‌نویس د-۱۱۰، گنجینه‌ی دست‌نویس‌های پهلوی ۳۰، شیراز: مؤسسه‌ی آسیایی دانشگاه پهلوی.
- _____ ماتسوخ، ماریا، (۱۳۸۹)، *تاریخ ادبیات فارسی*، زیر نظر احسان یارشاطر، ج ۱۷، ترجمه‌ی فارسی زیر نظر ژاله آموزگار، تهران: سخن.
- _____ مزدپور، کنایون؛ دالوند، حمیدرضا، (۱۳۹۰)، «وندیداد ساده (دست‌نویس اوستایی کتابخانه‌ی ملی تهران)»، *زبان‌شناخت*، س ۲، ش ۲، صص ۳۹-۵۸.
- _____ مزدپور، کنایون، (۱۳۸۶)، «یادداشت درباره‌ی وندیداد فریدون مرزبان»، *نامه‌ی بهارستان*، س ۹-۸، دفتر ۱۳-۱۴، صص ۵۲۷-۵۲۸.
- _____ (۱۳۸۸)، «وندیداد دستور روایان (اوستا ۱۰۰۱)»، *نامه‌ی بهارستان*، س ۱۰، دفتر ۱۵، صص ۲۴۵-۲۵۲.
- _____ ملافیروز، (۱۸۲۸م)، *ادله‌ی قویه بر عدم جواز کیسه در شریعت زردشتیه*، بمبئی: چاپ سنگی.
- _____ نامدار بن شهریار، (۱۲۶۲ی)، *یشت و نیرنگ آب و برسم و قواعد دینی یشت و سفرد و یشت و رفتون و یشت و سی‌روزه*، بمبئی: چاپ سنگی.
- _____ الهروی، موفق‌الدین ابومنصور علی، (۱۳۷۱)، *الابنیه عن الحقایق الادویه*، تصحیح بهمنیار، تهران: دانشگاه تهران.
- Bartholomae, Christian, (1915), *Die Zendbandschriften der K. Hof – und Staatsbibliothek in München*, München.
- Blochet, Edgar, (1900), *Catalogue des Manuscrits Mazdeens (zend, Pehlvi, Parsis et Persanes) de la Bibliotheque Nationale*, Besancon.
- Dhabhar, Bamanji Nasarvanji, (1923a), *Descriptive catalogue of some Manuscripts bearing on Zoroastrianism and pertaining to the different collections in the Mulla Feroze library*, Bombay.
- Dhabhar, Bamanji Nasarvanji, (1923b), *the K.R Cama Oriental Institute Catalogue*, Bombay.
- Dhabhar, Bamanji Nasarvanji, (1925c), *Descriptive catalogue of all Mss. In the first Dastur Meherji Rana library - Navsari*, Bombay.
- Ethe, Hermann, (1903), *Catalogue of Persian Manuscripts in the library of India office, vol. I, Oxford Histori*, Bombay.

- Geldner, K. F., (1886), *Avesta*, vol. I, Stuttgart.
- Madan, (1911), *The Pahlavi Dinkard*, book ix, Bombay.
- Ross, E. Denison; Browne E. G., (1902), *Catalogue of two collections of Persian and Arabic manuscripts preserved in the India Office library*, London.
- Unvala, J. M., (1940), *Collection of Colophons of Manuscripts bearing on Zoroastrianism in some library of Europe*, Bombay.
- <https://ada.geschkult.fu-berlin.de/>

